



گزارش همایش بین‌المللی بررسی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ نفت، سلطه، کودتا

از طریق زمینه‌های عینی و فرآیندهای درون ساختاری بروز و ظهور یافته است.

دکتر متقی ۳ چارچوب نظری برای بحث خود ارائه کرد و گفت: گروههای اجتماعی در سال ۲۹ به حداقل‌ها راضی بودند؛ اما ناگهان با افزایش توقعات نخبگان نیز تحت تأثیر عوام حداکثرگرا شدند، از نظر روانی، زمینه را برای ایجاد نارضایتی آماده کردند.

وی افزود: با فضایی که ایجاد شده بود، زمینه فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی غرب و در نتیجه هزینه‌های آنها افزایش یافت. سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس هماهنگ با یکدیگر، ایجاد انشعاب و شکاف درونی را هدف قرار داده بودند. با فعالیت شبکه‌های جاسوسی و زمینه‌سازیهایی داخلی، فضای بی‌اعتمادی در کشور حاکم شد و گروه‌های سیاسی در وضعیت انشعاب قرار گرفتند.

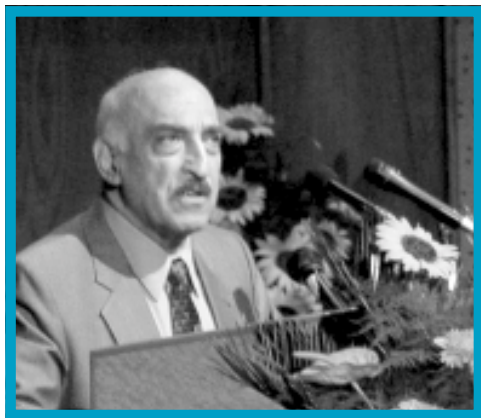
دکتر داوود هرمیداس باوند به نفت، سیاست‌های بین‌المللی و کودتای ۲۸ مرداد پرداخت و گفت: با وجود آن که یکصد سال اخیر ۳

دکتر مصدق را وارونه چاپ کرده و نوشته بود؛ فواره چو بالا رود سرنگون شود.

سپس آقای دکتر محمد حسن سالمی، نوه دختری مرحوم آیت‌الله کاشانی که از اسپانیا آمده بود، به ایراد سخن درباره پنجاه و یکمین سالگرد قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ پرداخت و این قیام را اوج و قله مبارزات ضداستعماری مردم ایران و همچنین آغاز نفاق و شقاق میان رهبران نهضت خواند و افزود: استعفای دکتر مصدق در تیرماه سال ۱۳۳۱ یک اشتباه بود. وی اظهار داشت در حالی که روزنامه‌های خارجی هفته‌ها نخست‌وزیری قوام‌السلطنه را تبلیغ می‌کردند، استعفای دکتر مصدق

همایش بین‌المللی بررسی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با عنوان «نفت، سلطه، کودتا» با حضور محققان و کارشناسان، همزمان با میلاد باسعادت حضرت زهرا(س) و حضرت امام خمینی(ره) به همت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد پژوهشی، فرهنگی غرب‌شناسی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در سالن همایش‌های سازمان صدا و سیما برگزار و با استقبال گسترده دانشجویان و محققان کشور مواجه شد. سخنرانان این همایش عبارت بودند از: دکتر حسن سالمی، دکتر ابراهیم متقی، دکتر داوود هرمیداس باوند، دکتر موسی نجفی، عبدالله شهبازی، حجت‌الاسلام معزالدین حسینی، خانم دکتر ناهید مکی‌نژاد، دکتر محمود کاشانی، حجت‌الاسلام علی ابوالحسنی، دکتر عطا آیتی، دکتر مجید تفرشی، دکتر ناصر تکمیل‌همایون، دکتر مظفر نامدار، آقای حمید سیف‌زاده و داود امینی.

پس از آخرین سخنرانی، میزگردی با حضور آقایان دکتر ناصر تکمیل‌همایون، دکتر داوود هرمیداس باوند، دکتر موسی نجفی، دکتر حسن سالمی، دکتر محمود کاشانی، آقای حمید سیف‌زاده، آقای عبدالله شهبازی و دکتر مجید تفرشی برگزار شد که سه ساعت به طول انجامید و در طی آن به سؤالات حضار پاسخ داده شد. در ابتدای



جنبش مشروطه، نفت و انقلاب اسلامی را پشت‌سر گذاشتیم، همچنان در زمره کشورهای در حال توسعه‌ایم و همچنان بر القاب اولیه یکصد سال چانه می‌زنیم. در حالی که باید با نگرش به گذشته، آینده را به پیش ببریم.

وی با بیان این نکته که انرژی به عنوان پدیده‌ای استراتژیک پس از جنگ جهانی اول رسمیت یافت، گفت: در سال ۱۹۷۹ در آمد نفت انگلستان از ایران ۸۱ میلیون دلار و درآمد نفتی ما فقط ۲۰ میلیون دلار بود و آنها درصد بودند تغییر و تحولات موجود، تغییری در منافعیشان ایجاد نکرد و در همین حال نخبگان ایران نیز مترصد بودند از همین انرژی برای ایجاد تحولات استفاده کنند و آمریکا هم احساس می‌کرد بعضی از منافعی می‌تواند با برخی خواسته‌های ملل جهان سوم منطبق باشد. نظیر الگوی ملی شدن که در اروپا نیز با پرداخت غرامت در پیش گرفته شده بود.

باوند به بیان علل شکست نهضت ملی پرداخت و اظهار داشت: در مرحله اول موفق شدیم در مراجع حقوقی موفقیت‌هایی به دست آوریم؛ ولی نافرجامی بعدی نهضت به دو دلیل بود. نخست، ارزیابی مبالغه‌آمیز از عمق و ابعاد اختلافات دول بیگانه و دوم، ساختار درونی جامعه و نقشی که از درون جامعه ما صورت می‌گرفت.

وی افزود: کشتی جنگی انگلستان به منطقه آمد، ولی اجازه اقدام نظامی نیافت؛ چون آنها از درون جامعه ما با ایجاد اختلاف کار خود را پیش می‌بردند. رهبران نهضت ملی تصور می‌کردند شوروی از نهضت‌های ضداستعماری حمایت می‌کند، لکن شوروی که می‌دید آمریکا می‌خواهد جانشین انگلیس شود، در مقابل سیاست نفوذ آنها، درصد حفظ وضع موجود در ایران بود، لذا کارشکنی پیشه کرد.

وی علت دیگر شکست نهضت را آشنایی نداشتن جنبش با سیاست‌های بین‌المللی انرژی خواند و گفت: ما بر آن بودیم که در صورت قطع صدور نفت ایران، غرب تا ۵ سال جایگزینی برای نفت ما پیدا نمی‌کند و ما می‌توانیم خواسته‌ها و اهداف خود را پیش ببریم؛ اما آنها با افزایش تولید نفت عراق و... بسرعت خلا را پر کردند.

باوند در خاتمه گفت: همه عوامل باعث شد انتظار ما از نهضت ملی به عنوان یک رسالتی برآورده نشود. ما نباید در کودتا به دنبال گفته‌های X و Y برویم. در نهضت ملی، همگان اشتباه کردیم و باید در بررسی



مانور خطرناکی بود. پس از خانه‌نشینی دکتر مصدق آیت‌الله کاشانی برای دفاع از او وارد صحنه شد و علی‌رغم وعده‌های قوام در سپردن انتخاب شش وزیر از کابینه خود به ایشان و تلاش افرادی نظیر حسن ارسنجانی برای منصرف کردن آیت‌الله کاشانی از حمایت دکتر مصدق، قاطعانه خواستار بازگشت مصدق به قدرت شد و با بسیج مردم موجبات شکست شاه و سقوط کابینه قوام را فراهم نمود. اما پس از ۳۰ تیر مصدق عوض شد، در جلسات دولت شرکت نمی‌کرد، هدف مبارزه مردم به فراموشی سپرده شد، جنگ داخلی به غذای روحی مردم مبدل گشت و سرانجام در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قدرت به راحتی به زاهدی تحویل شد و انگلیس و آمریکا نهضت ملی شدن نفت ایران را به زانو درآوردند.

دکتر ابراهیم متقی دومین سخنران همایش بود که بی‌ثباتی سیاسی و مداخله خارجی؛ مطالعه موردی کودتای ۲۸ مرداد را مورد توجه قرار داد و کودتا را نمادی از مداخله خارجی و نقطه عطفی خواند که قبلا



برنامه، دبیر همایش آقای موسی فقیه‌حقانی در گزارش خود اعلام کرد ۷۵ مقاله به دبیرخانه همایش واصل شده بود که از این میان ۶۰ مقاله برای چاپ و ۱۷ عنوان برای سخنرانی برگزیده شد. وی همچنین اضافه کرد که هدف همایش فراهم کردن زمینه گفت و گو بین صاحب‌نظران برای روشن شدن ابعاد پنهان تحولات تاریخی است. سپس دکتر غلامعلی حداد عادل، به عنوان رئیس جلسه طی سخنرانی بر این پرسش انگشت‌گذار کرد که موانع شناخت کودتای ۲۸ مرداد کدام است؟

وی اضافه کرد: نهضت ملی به این دلیل شکست خورد که استبداد داخلی را که در سلطنت بروز داشت، تحمل کرد و انقلاب اسلامی با روشن بینی امام خمینی (ره) بر این نکته تأکید کرد که باید سلطنت به عنوان پایگاه داخلی استعمار هدف قرار گیرد و نابود شود.

او عبرت آموزی از این وقایع را هدف اصلی دانست تا ملت ما از یک سوراخ دو بار گزیده نشوند و یکی از عبرت‌های کودتا را در بهره‌برداری دشمن از حربه تفرقه خواند و افزود: دشمن با استفاده از این حربه توانست پیروز شود و ما امروز به دور از تعصب و آگاهانه باید از خود بیرسیم که عوامل نفاق چه بود و آن عوامل را همواره مدنظر قرار دهیم.

وی در ادامه به ذکر خاطره‌ای از آن روز شوم پرداخت و گفت: در روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ که من ۸ ساله بودم، روزنامه‌ای خریدم که عکس





نفت را مطرح می‌کنند؛ ولی تاریخ‌نگاران انگلیسی ابتدا نفت را عامل کودتا می‌دانند و بعد جلوگیری از نفوذ کمونیسم را مطرح می‌کنند. حجت‌الاسلام معادپناه خواه سخنران بعدی بود که جابه‌جایی نخبگان در دوران معاصر را تحلیل کرد و گفت: استقلال طلبی و مخالفت با نفوذ بیگانه از شاخصه‌هایی است که با هویت اسلامی و ایرانی ملت ما عجین است. وی اضافه کرد: معاویه از چهره‌های نخبه‌تراش بود. هر کس با او



همه‌ها عمل می‌کرد. با ابزار تبلیغات از او چهره‌ای نخبه می‌ساخت. مثلاً پسر خلیفه دوم که با او همه‌ها عمل می‌کرد، یک شخصیت نخبه و نظریه‌پرداز قلمداد شد؛ ولی پسر خلیفه اول، یعنی محمد بن ابی‌بکر را که با او هم‌اوا نبود و به مولای متقیان ادرات می‌ورزید به قتل رساند. امروزه نیز امپریالیسم تبلیغاتی در صدد است افراد ضعیف‌النفس و غیراصیل را مطرح کند و حتی جوایز بنیادهای بین‌المللی را به آنها اهدا می‌کند. وی افزود من هرگز نمی‌گویم نخبگان جامعه ما خودفروخته‌اند؛ ولی ترفند دشمن آنچنان قوی و موثر بود که بخشی از نخبگان ما را طوری فریفته که جز سیاه‌نمایی از انقلاب اسلامی وظیفه‌ای برای خود قائل نیستند.

وی خاطر نشان کرد: عده‌ای تلاش می‌کنند این‌گونه قلمداد کنند که عبرت ما از ۲۸ مرداد باید این باشد که بچه خوبی باشیم و در نظام جهانی پیمان را از گلیم خود دراز نکنیم. کسانی که از این نظر دفاع می‌کنند، مورد حمایت امپریالیسم خبری قرار دارند.

دکتر محمود کاشانی فرزند مرحوم آیت‌الله کاشانی توطئه به بن‌بست کشیدن اقتصاد کشور زمینه‌ساز به سقوط کشیدن نهضت ملی ایران را بر ملا کرد و گفت: نهضت ملی ایران یک پیروزی بزرگ برای ملت ایران و یک شکست عظیم برای استعمار بریتانیا بود، لذا پس از کسب



این پیروزی به شکست کشاندن آن در دستور کار اصلی انگلستان قرار گرفت.

وی افزود: ما نباید مردم را در مقابل اسلام قرار دهیم. علما نیز هرگاه از مجلس شورای ملی یاد کرده‌اند از آن با تعبیر «شیدالله ارکانه» بوده است.

کاشانی ناراضی مردم را برای هر دولت بزرگترین خطر دانست و اظهار داشت: این درسی است برای سیاست‌گذاران امروز کشور که از این رهگذر خطری متوجه استقلال کشور نشود.

دکتر محمود کاشانی گفت: در ۵۰ سال گذشته پنهان‌کاری شدیدی نسبت به مکانیزم دخالت بیگانگان در کشور صورت گرفته است. آیت‌الله کاشانی، فردی بود که در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ بیشترین فعالیت را برای آزادی انتخابات که جوهر مشروعیت بود انجام داد.

کاشانی با بیان اینکه انگلیس با قطع درآمد نفتی ایران و افزایش

در اردیبهشت ۱۳۳۲ طرح انجام کودتا مطرح و در ۴ تیر ۱۳۳۲ به تصویب رسید و حال این پرسش مطرح است که اگر مبدا عملیات را پس از این تاریخ بدانیم، شورش بختیاری‌ها و آشوب‌های پیش از تاریخ تصویب طرح کودتا از کجا سرچشمه می‌گرفته است؟ او سرخ این اقدامات را به شبکه‌های اقتصادی و مافیای بازارهای بورس جهانی مرتبط دانست و گفت: بعضی شبکه‌های اقتصادی در ورای شبکه‌های اطلاعاتی این اقدامات را انجام می‌دادند تا به دولت‌ها فشار آورند که طرح‌های کودتا را زودتر به تصویب رسانده و اجرا کنند.

شهبازی اضافه کرد: محافل دانشگاهی غربی اصرار فراوان دارند تا نقش سر شاپور ریپورتر و جورج کندی یانگ را در کودتای ۲۸ مرداد پوشیده نگه دارند. در حالی که اسناد بسیاری در اثبات نقش آنها وجود دارد.

وی اظهار داشت می‌توان قتل افشارطوس را شروع عملیات کودتا در ایران دانست که به انحلال مجلس هفدهم و دستگیری حسین خطیبی منجر شد. در جریان این قتل، مصدق به قتل رئیس شهربانی خود متهم گردید. این محقق پژوهشگر اضافه کرد: شاید کانون‌هایی فراتر از سرویس‌های اطلاعاتی از آغاز در کار توطئه بوده‌اند تا به سود منافع ملی خود از سیر تحولات ایران استفاده کنند.

دکتر مجید تفرشی که از انگلستان به همایش آمده بود، زندگی و زمانه سام فال مامور اطلاعاتی و دیپلمات پیشین انگلیس در ایران «را با استناد به کتاب زندگانی او و اسناد مکتوب آزاد شده اما انتشار نیافته و چند



نویت مذاکره تلفنی خود با سام فال بیان کرد. وی گفت: فال چند وظیفه داشت: انتقال اخبار عادی و پشت پرده گزارش ملاقات‌های رجال با یکدیگر و با شاه، بررسی راهکارهای سرنگونی مصدق، پیدا کردن جانشین مناسب برای او، تشکیل جبهه مخفی از رجال پیر و سناتورها علیه دولت مصدق و مذاکره با خبرچینان سفارت که رابطه مستقیم و حقوق‌بگیر بودند.

وی بعضی از کسانی که در ارتباط با سفارت بودند را به این شرح نام می‌برد: سلیم‌محمد سجادی، علی منصور، احمد متین‌دفتری، ظهیرالاسلام، قوام‌السلطنه، ابراهیم خواجه نوری، سیدضیاء طباطبایی، فضل‌الله زاهدی، سیدحسن امامی و...

وی می‌گوید در ملاقات‌هایی که داشته افرادی نظیر مکی، بقایی، حائری‌زاده و معظمی به عنوان جانشین مصدق پیشنهاد شدند. در حالی که انگلستان به قوام‌السلطنه، سیدضیاء‌الدین، نصرالله انتظام، محسن ابتهاج و بوشهری تمایل داشت.

بر اساس اسناد فال، ظهیرالاسلام ۲۰۰۰ پوند پول از سام فال می‌خواهد تا مصدق را متقاعد به برکناری کند؛ ولی سفارت می‌ترسد که این دام مصدق باشد تا انگلستان را به پرداخت پول برای سرنگونی او متهم کند لذا این پیشنهاد را نپذیرفته است.

تفرشی سند دیگری را خواند که بر مبنای آن مهدی فرخ، خواجه نوری، علی دشتی، عزیزالله زنگنه، عبدالمهدی طباطبایی و... جلسه‌ای تشکیل دادند تا جبهه متحد طرفدار شاه علیه مصدق ایجاد کنند. وی افزود در تماسی که با فال داشت، وی کودتا را عملیات کثیفی دانست که بدرستی انجام شد. از نظر سام فال کودتا از لحاظ شوون دیپلماتیک و اخلاقی کار درستی نبود؛ اما از لحاظ منافع ملی انگلستان لازم بود.

وی در پایان گفت: تاریخ‌نگاران در امریکا دلیل اقدام به کودتا در ایران را ابتدا جنگ سرد و جلوگیری از نفوذ کمونیسم می‌خوانند سپس

آن برای امروز درس بگیریم تا آن اشتباهات را مجدداً مرتکب نشویم. ملاحظاتی، نظریه‌پردازانه درباره ماهیت نهضت ملی شدن نفت عنوان سخنرانی دکتر موسی نجفی بود. وی گفت: نهضت تنباکو، زمینه‌ساز نهضت مشروطیت بود و قیام ۱۵ خرداد زمینه را برای انقلاب اسلامی فراهم کرد. در این میان نهضت ملی شدن نفت نه یک حرکت کوچک بود و نه زمینه‌ساز قیام بزرگی شد.

وی توضیح داد: با رفتن دیکتاتوری مانند رضاخان، نهضت ملی شدن نفت در کشور شکل گرفت. در آن زمان احزاب خلأ ایجاد شده در جامعه را پر کردند و گرانگاه قدرت به جای آنکه در میان مردم باشد، به احزاب منتقل شد و بحث قدرت مجلس و اجرای مشروطیت مطرح شد.



عضو پژوهشگاه علوم انسانی همچنین تصریح کرد: در نهضت ملی شدن نفت ماهیت شیعی و اسلامی حرکت نسبت به جنبش‌های قبلی کمتر بود. بیدارگری اسلامی، مردم‌سالاری و نگرش به غرب سه مؤلفه‌ای بودند که در مشروطیت و انقلاب اسلامی به یکدیگر رسیدند، ولی در نهضت ملی شدن نفت این سه عامل ناقص بودند، لذا حرکت اسلامی این نهضت عمیق نبود.

نجفی، نهضت ملی شدن نفت را بن‌بست چشم‌انداز مشروطیت در ایران دانست و ادامه داد: نداشتن چشم‌انداز در فرهنگ دینی به شکل نظری و عملی پشتوانه‌های هویت ملی را از یک نهضت می‌گیرد و این رخداد برای نهضتی که بخواهد با استعمار مبارزه کند، فاجعه است. سرنوشته نهضت ملی شدن نفت دلسوزان کشور را متوجه این مسئله کرد که ادبیات مشروطیت برای حرکت ایران نمی‌تواند کارساز باشد.

وی بیان داشت: غیرمقدس کردن و جدایی هویت ملی از هویت شیعی فاکتورهایی هستند که مانع از پیروزی این نهضت شدند.

وی در خاتمه چنین نتیجه‌گیری کرد که نهضت نفت هدف خود را ملی کردن نفت قرار داد که حرکت مبارکی بود؛ ولی این طرح کوتاهی بود که به دلیل نداشتن طرح اصلاحی بلندمدت نتوانست موفق باشد و رهبران را دچار اختلاف کرد. نجفی ترویج ملی‌گرایی، جدا کردن دین از سیاست و جدا شدن هویت ملی از هویت شیعی را دلیل نافرجامی نهضت دانست.

سپس عبدالله شهبازی از نقش کانون‌های توطئه‌گر و سرویس‌های اطلاعاتی غرب در کودتا سخن گفت: کودتای ۲۸ مرداد نخستین کودتا در زنجیره سیاست نفوذ نبود؛ بلکه ابتدا در یونان و سپس در سال ۱۹۵۰



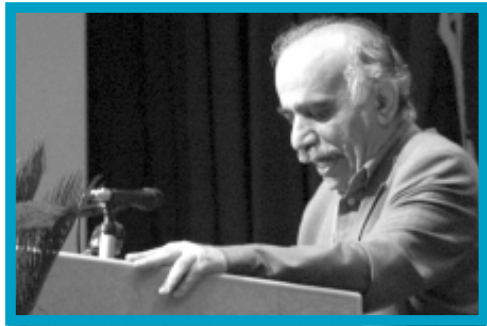
میلادی کودتا در آلبانی و در اول مرداد ۱۳۳۱ کودتای ژنرال نجیب در مصر طرح‌های براندازی مشترکی بود که از سوی امریکا و انگلستان انجام شد.





پشتیبانی می‌شود. چند نفر منفی‌باف که عده‌ای از جوانان ساده‌لوح از آنان پیروی می‌کردند، فریاد می‌زدند: نفت ایرانی برای ایرانی؛ ولی هیچ کس نکفت چطور ممکن است که ایران نفت خود را اداره کند؟ فقط کسانی از قبیل رزم‌آرا می‌دانستند اداره کردن نفت به دست ایرانی عملی نیست و با پیشنهاد ملی کردن مخالف بودند.»

وی ضمن تشریح توطئه‌های دولت‌های انگلیس و آمریکا بر علیه دولت دکتر مصدق در پایان سخن بیان کرد: اگر دکتر مصدق به سیاست امریکا تمکین می‌کند و از قانون ملی شدن صنعت نفت سرپیچی می‌کرد، آیا کودتای خائنه ۲۸ مرداد به وجود می‌آمد؟



دکتر مظفر نامدار ضمن بحثی نظری، نهضت ملی شدن نفت را آخرین تلاش مشروطه‌خواهی در ایران، خواند و سخن خود را با طرح این پرسش آغاز کرد که چرا جریان متجدد غربگرا و روشنفکری دیدگاه‌های لیبرالیستی مشروطه‌خواهی را به دیدگاه سوسیالیستی تبدیل کردند؟ او نظام مشروطه را برآیند تلفیق دو جریان دانست؛ جریانی که روح مدرنیته غربی را در آینده ایران می‌دانست؛ و جریانی که سعی داشت آن تجدد را با تمدن اسلامی



تلفیق و آشتی دهد؛ اما به نظر من همه نظام‌های تلفیقی از لحاظ رهبری و اهداف و حتی انتخاب روشها در معرض واگرایی قرار دارند. نامدار اوج واگرایی مشروطیت را دیکتاتوری رضاشاه خواند و گفت: آخرین تلاش مشترک این تلفیق در ۲۸ مرداد بود.

وی اظهار داشت: جنبش ملی نفت از این جهت آخرین تقلا مشروطه‌خواهی بود که همان دیدگاه جنبش اجتماعی تلفیقی در جنبش ملی شدن نفت هم وجود داشت. همچنین پس از شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت هر کدام از گرایش‌های تلفیقی ساز خود را زدند و یک جریان به غرب و جریانی دیگر که گرایش‌های مذهبی داشت به تفکر امام خمینی (ره) که در آن دیدگاه تلفیقی جایی نداشت روی می‌آورد.

وی اضافه کرد: این دو جریان تلفیقی در حال بازسازی خود در جمهوری اسلامی است ولی تاریخ ثابت کرده که رهبری تلفیقی جنبش‌های اجتماعی در ایران نتیجه‌ای جز کودتا ندارد. اکنون گرایش‌های تلفیقی تحت عناوینی مانند روشنفکری دینی و یا نیروهای ملی - مذهبی وجود دارند.

وی چنین نتیجه گرفت که رهبری تلفیقی جنبش‌های

روشن شدن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پس از پنجاه سال به ایراد سخنرانی پرداخت ایشان ضمن انتقاد از تاریخ نگاری یکسویه در خصوص نهضت ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد با طرح سوالاتی به نقد عملکرد دکتر مصدق در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت پرداخت و با مقایسه عملکرد دکتر مصدق و سالوادور آندة عقب نشینی و بی تفاوتی دکتر مصدق را نکوهش کرده و پیروزی کودتاگران را معلول انفعال نخست وزیر در مقابل کودتاگران دانست .

آیت‌الله شیخ حسین لنگرانی از تعامل تا تقابل با امریکا، موضوع بحث حجت‌الاسلام علی ابوالحسنی (منذر) بود. وی به نقل از لنگرانی گفت: استقلال از افراد شروع و به جامعه ختم می‌شود و افزود: لنگرانی در باب موضع انگلیس و امریکا درباره مذهب می‌گفت: انگلستان،



با مذهب عناد و ضدیت ندارد و دنبال منافع خود است و اگر منافعی اقتضا کند به حمایت یا ضدیت با آن برمی‌خیزد؛ اما امریکا غیر از بی‌جویی منافع استعماری خود با مذهب ضدیت نیز دارد، ولیکن به دلیل ضدیت ذاتی تشیع با منافع استعمارگران، ابرقدرت‌ها در مبارزه با شیعه اتفاق نظر دارند و اختلاف دولتی و موضعی آنها شما را فریب ندهد.

دکتر عطا آیتی که از فرانسه آمده بود با تکیه بر اسناد وزارت جنگ فرانسه به نقش ارنست پرون در واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ پرداخت و با ذکر یک سند نشان داد که اسناد وزارت خارجه انگلستان از فیلتر سفارت فرانسه در تهران می‌گذشته است و نتیجه گرفت که این اسناد اعتبار فراوانی دارد.



دکتر آیتی افزود: عیسی سپهبدی در دوران نهضت ملی مترجم سفارت فرانسه بود و اطلاعات محرمانه‌ای را در اختیار مصدق قرار می‌داد، لذا فرانسوی‌ها او را از سفارت اخراج کردند. او سند دیگری را قرائت نمود که در ۱۶ ژوئیه (۲۵ تیر) شاه ارنست پرون را احضار کرد و از وی درباره جانشین مصدق سوال کرد و پرون نیز قوام را پیشنهاد کرد. شاه پذیرفت و از پرون خواست کار را پیگیری کند. پرون نزد قوام رفت طی مذاکرات مفصلی او را به پذیرش نخست وزیر متقاعد کرد و به کاخ برگشت؛ ولی شاه خوابیده بود، او ضمن دخالت در تصمیم‌گیری شاه بقیه کارها را پیگیری می‌کرد تا قوام به نخست‌وزیری برسد.

دکتر ناصر تکمیل همایون درباره نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد، سخن راند و ضمن اشاره به تصویب ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ گفت: با فرا رسیدن نوروز باستانی رادیو. بی.بی.سی در تفسیری اعلام کرد: «امروز پارلمان ایران پیشنهاد ملی کردن نفت در سراسر کشور را تصویب کرد. این پیشنهاد از طرف عده معدودی از مترجمین و ثروتمندان و همچنین عده‌ای ملامهای متعصب که در رأس آنان سیدابوالقاسم کاشانی قرار گرفته است،

نارضایتی در میان مردم می‌خواست زمینه را برای دستیابی به اهداف خود آماده کند، افزود: مصدق همه پیشنهادهایی را که در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ از سوی کشورهای خارجی شده، کورکورانه رد کرد.

وی پیشنهاد بانک بازسازی و توسعه و پیشنهاد ۲۶۸ مورد خرید نفت ایران از سوی کشورهای مستقل را از جمله پیشنهادهای رد شده از سوی مصدق نام برد و اظهار داشت: پیشنهاد مشترک انگلیس و آمریکایی دیگر از این موارد است که در این مورد، همه مشاوران مصدق آن پیشنهاد مشترک را در چارچوب اهداف ملی کردن نفت و به نفع کشور دانستند ولی مصدق پیشنهاد انگلیس و آمریکا را به این دلیل که با پذیرش آن تمام درآمد نفتی ایران صرف پرداخت غرامت می‌شود، رد کرد و رد آن پیشنهادها کشور را به سوی نارضایتی سوق داد.

وی اضافه کرد: تز «اقتصاد بدون نفت» مصدق سبب فقر و نارضایتی مردم شد و این امر، همان سیاست دیکته شده انگلیس بود که اجرا شد و شرایط برای براندازی نهضت ملی آماده شد.

آیت‌الله سیدنورالدین شیرازی و دوران نهضت ملی شدن نفت، عنوان مقاله حجت‌الاسلام والمسلمین معزالدین حسینی بود. وی ابتدا



به مراتب علمی آیت‌الله شیرازی پرداخت و گفت: او در ۱۸ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد و در طول دوران تحصیل به کسب حدود ۲۰ اجازه اجتهاد و روایت از استوانه‌های فقهات نظیر مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی، میرزاحمدتقی شیرازی، شریعت اصفهانی، ضیاءالدین عراقی، نائینی، سیدابوالحسن اصفهانی و... موفق شد و در آستانه اوجگیری نهضت ملی ایران او به مرجع علمی دارالحکومه فارس تبدیل شد.

حسینی گفت: مرحوم شیرازی حکم شرعی را به دلیل شرب خمر بر دبیر سفارت انگلیس جاری کرد و در نهضت ملی ایران نقش موثری داشت؛ چرا که حمایت وی می‌توانست اثر نافذی در قلب مردم داشته باشد. شیرازی مردم را به مسجد و کیل شیراز دعوت کرد و با ایراد خطابه از دولت مصدق حمایت کرد و کلام خود را با این فصل الخطاب زیبا خاتمه داد که مصدق، مُصدق است که این جمله به صورت ضرب‌المثل بر زبانها جاری شده بود خاتمه داد.

حسینی اقدام دیگر مرحوم شیرازی در حمایت از نهضت ملی را تأیید خرید اوراق قرضه ملی دانست و گفت: وقتی دولت با تحریم اقتصادی انگلستان مواجه شد و مبادرت به انتشار اوراق قرضه ملی کرد و مرحوم شیرازی شخصاً با حضور در بانک ملی شعبه زند به خرید اوراق قرضه مبادرت کرد و فتوای تاریخی خود را منتشر کرد که خرید قرضه ملی از اسام جهاد است.

حجت‌الاسلام حسینی در خاتمه از محققان خواست دوره روزنامه شورش مورد بررسی قرار گیرد و میزان اهانت این روزنامه به مرجعیت، بویژه مرحوم آیت‌الله شیرازی را ارزیابی کنند تا نشان داده شود که چگونه با دلسرد کردن مردم زمینه برای کودتا فراهم شد؟

سخنران بعد خانم دکتر مکی نژاد بود که تحت عنوان دلایل عدم





روحانیت و نهضت ملی شدن نفت

مکتوب دکتر محمد مصدق در جواب به
مرقومه آیت الله آقا میرزا سید حسن
چهارسوقی

۲۴ فروردین ماه ۱۳۳۰

به عرض عالی می‌رساند: [مرقومه محترمه شرف وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید تبریکات خود را برای این سال تقدیم می‌کنم و از خداوند مسئلت دارم که سالهای بسیار با صحت و خوشی درک این اعیاد را بفرمائید و مجلس شورای ملی با پشتیبانی مقامات روحانی و فداکاری ملت ایران تصمیمی که در مصالح ملک و ملت گرفته است زودتر عملی کند].
در خاتمه تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم می‌کنم و مژده سلامت عالی را همیشه انتظار دارم].
دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت]

اصفهان: [خدمت ذی‌شرافت حضرت حجة الاسلام آیت الله آقای آقامیرزا سید حسن چهارسوقی ادام الله بقائه مشرف آید].

دکتر محمد مصدق: [طهران

[در حاشیه با خط دیگری]

وصول ۹ رجب ۷۰

تلگراف آیت الله بروجردی به دکتر محمد مصدق

جناب اشرف آقای نخست‌وزیر دام اجاله
تلگراف واصل، استعلام حال فقیر فرموده بودید، الحمدلله
حالم بهتر است.
موفقیت جنابعالی را در تقویت اسلام، و اصلاح امور عامه
مسلمین از خداوند تعالی مسئله می‌نماید.

بیانیه آیت الله کاظم طباطبائی از آیات عظام آذربایجان

بسم الله الرحمن الرحيم
لن يجعل الله للكافرين على المسلمين سبيلا
در هیچ موردی و مقامی پروردگار احیت جلت عظمته رضا نداده
کفوری بر یک نفر مسلمان سلطه پیدا نماید تا چه رسد به جامعه اسلام.
برادران! مسلمانان!

وقوع کودتا را بگیرند که این تقاضا از سوی دکتر مصدق رد شد. دکتر محمود کاشانی و دکتر مجید تفرشی در پاسخ سوآلی که مربوط به شایعه ارسال پول از سوی سازمان سیا برای آیت الله کاشانی می‌شد هر دو متفقاً اظهار داشتند که منیخ این شایعه مارک گازپوروسکی محقق آمریکایی است که با حدس و گمان و بدون ارائه سند چنین ادعایی را مطرح نموده و طی ملاقات شخصی با دکتر محمود کاشانی و نیز در همایشی که در آکسفورد برگزار شد به اشتباه و غیرمستند بودن اظهارات خود اعتراف نموده است.

دکتر ناصر تکمیل همایون در پاسخ به سوآلی در خصوص دیدگاه خود نسبت به آیت الله کاشانی ابراز کرد که اساساً ورود من به صحنه مبارزات ضد استعماری با تاعسی به آیت الله کاشانی بود و ایشان به من می‌گفت ناصر امیدوارم منصور باشی. متأسفانه در نهضت ملی شدن اطرافیان آیت الله کاشانی و دکتر مصدق وحدت و اتفاق نظر این دو مرد را به هم زده و موجبات سقوط نهضت را فراهم کردند.

دکتر محمود کاشانی طی سخنانی شایعه تاءثیرپذیری آیت الله کاشانی از اطرافیان خود را رد کرد و اظهار داشت که ایشان در تصمیم‌گیریهای خود مستقل عمل می‌کردند. دکتر مجید تفرشی در خصوص جایگاه احزاب در نهضت ملی شدن نفت اظهار داشت که به اعتقاد من ما هیچ وقت حزب سیاسی به معنی واقعی کلمه و مفهوم پذیرفته شده آن در ایران نداشتیم و معمولاً در عکس العمل نسبت به رویدادها عده‌ای با گردهمایی و وحدت مقطعی جمعیتی راه‌اندازی کرده که پس از تمام شدن موضوعی که موجب گردهمایی آنها شده بود، خودبه‌خود و یا با انشعاب فعالیت حزب خاتمه می‌یافت. وی حزب توده را در این خصوص استثناء کرد و گفت از لحاظ تشکیلاتی به آن تشکل می‌شود گفت حزب بوده است.

آقای عبدالله شهبازی به نقش مطبوعات در ایجاد اختلاف و بحران در کشور اشاره کرده و گفت که روزنامه‌های مختلف در این مقطع با اهانت به رهبران پخش شایعات و اخبار ناامیدکننده اعتماد عمومی را نسبت به نهضت ملی شدن نفت از پیش بردند و زمینه‌های روانی کودتا را فراهم کردند. وی به جایگاه قتل افشارطوس در شکست نهضت ملی شدن نفت و بهره‌برداری شبکه‌های جاسوسی از این موضوع نیز اشاره کرد. استقبال حضار از جلسه پرسش و پاسخ ۳ ساعته، مسئولین همایش را واداشت که جلسه دیگری در ۱۳۸۲/۶/۵ به منظور پاسخگویی به سوآلات حضار برپا نمایند که در تاریخ مذکور آن جلسه نیز به مدت ۶ ساعت برپا شد که گزارش آن در فصلنامه تاریخ معاصر ایران درج خواهد شد. در حاشیه همایش نمایشگاه عکس، سند، کتاب و مطبوعات نیز با همکاری مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مرکز بررسی اسناد تاریخی و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی برگزار شد که با استقبال خوبی مواجه گردید.

اجتماعی نتیجه‌ای جز کودتا نداشته است؛ زیرا رهبری تلفیقی مشروطه به کودتای سوم اسفند پهلوی اول منجر شد و رهبری تلفیقی نهضت ملی نیز به کودتای ۲۸ مرداد پهلوی دوم انجامید.

سخنران بعدی حمید سیف‌زاده بود که دلایل شکست نهضت ملی شدن نفت را باز می‌کاوید. سیف‌زاده دکتر مصدق را عامل تضعیف نیروهای دینی و ملیون دانست و گفت: مصدق ۱۰ ماه پیش از نخست‌وزیری به انگلستان تعهد سپرد که حاضر است برای منافع انگلستان بکوشد و پاسخ را نیز از سوی ارست پرون دریافت کند.

وی خاطر نشان کرد: در یکی از ملاقات‌ها فاطمی از اتاق مصدق



خارج شد و گفت: این مرد عاقبت ما را به کشتن می‌دهد و این رمز اقدام او بود.

مصدق به دو چیز خیلی اعتقاد داشت: دوستی اشخاص و نظرات مثبتی که دیگران درباره افراد می‌دادند.

سیف‌زاده در خاتمه گفت: مصدق از کودتا خبردار و از جزئیات آن نیز آگاهی داشت. حتی پیش از شاه و زاهدی، چرا که خود طراح کودتا بود.

آخرین سخنران همایش داوود امینی بود که نقش فداییان اسلام در نهضت ملی شدن نفت را باز می‌جست او که کتابی نیز در این زمینه تالیف کرده است، به اعدام انقلابی رزم‌آرا از سوی فداییان اسلام پرداخت و گفت: قتل رزم‌آرا از لحاظ سیاسی از سوی نیروهای ملی و از لحاظ مذهبی از سوی آیت الله کاشانی تایید شد و پس از اقدام فداییان، روزنامه‌های وابسته به جبهه ملی به شادمانی پرداختند و بر صحت فتوای سیاسی جبهه مهر تاءیید زدند. وی همچنین به هشدار نواب صفوی به دکتر مصدق در خردادماه ۱۳۳۲ اشاره



کرد که بر اساس اعلامیه نواب صفوی به مصدق گفته شده بود که در صورت اجرای احکام اسلام از دولت وی حمایت خواهند نمود.

در جلسه پرسش و پاسخ دکتر حسن سالمی به طور مشروح خاطرات مربوط به بردن نامه مورخ ۲۷ مرداد آیت الله کاشانی برای دکتر مصدق را تشریح کرد و تاءکید نمود که آیت الله کاشانی نگران اوضاع کشور بود و از دکتر مصدق خواست که با هم جلوی